



باز زنده‌سازی بافت‌های تاریخی شهری با تکیه بر رویکرد گردشگری

الهه محمدزاده لطفی^۱

کد مقاله: ۲۹۱۷۷

چکیده

بافت‌های قدیم و کهن شهرها به واسطه قدمت و وجود عناصر با ارزش تاریخی، موقعیت مناسب ارتباطی، دارای جایگاه منحصر به فردی در ساختار فضایی و کارکردی شهر می‌باشد. توسعه سریع شهرنشینی، تاثیرات قابل توجهی بر بافت‌های کهن و تاریخی بر جای گذاشته است، که این خود تخریب و فرسودگی بافت‌های مذکور را به همراه دارد. امروزه توجه به بافت‌های کهن و رفع ناپایداری آن‌ها به موضوع جدی و محوری تبدیل شده است، به گونه‌ای که لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های مختلف زمانی مطرح می‌کند. رویکرد‌های مرمت و بهسازی شهری در سیر تکامل و تحول خود از بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزائی شهری تکامل یافته و در این مسیر گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده است. بافت تاریخی شهرها که اغلب گنجینه‌ای از عناصر ارزشمند معماری و شهرسازی را توأمان در خود دارد، سرمایه‌ای بالقوه و نهفته به منظور جذب گردشگران به حساب می‌آیند. با جذب گردشگر در مقیاس محلی، ملی و حتی جهانی می‌توان ضمن تأمین هزینه‌ای حفاظتی بافت، زمینه‌های تحرک اقتصادی را برای شهر و شهروندان به وجود آورد.

واژگان کلیدی: احیا، بافت تاریخی، باز زنده سازی، گردشگری

۱- مقدمه

اقدامات مرمتی صورت گرفته در بافتهای کهن شهری تا به امروز تنها به یکی از جریان های توسعه یا حفاظت توجه داشت. این برخورد یک سویه با هر یک از این جریان ها خود معضلات جدیدی را به بافت کهن شهری تحمیل کرد. از این رو ساکنین این بافتها به دلیل کاستی و نارساییها ناگزیر به ترک بافت می گردیدند. در چنین شرایطی به دنبال از هم پاشیدن بافت اجتماعی، بافت کالبدی نیز بیشتر در معرض تخریب قرار می گرفت. اغلب شهرهای تاریخی ایران دارای هسته اولیه و بافت کهن تاریخی می باشند که از ارزش قابل توجهی برخوردار است. حضور عناصر و فضاهای ارزشمند تاریخی نظیر بازار، کاروانسراها، مساجد و ... جلوه خاصی به این بافتها بخشیده است. حضور مدرنیسم در دهه های اول قرن حاضر آثار و پیامدهای جبران ناپذیری را برای بافتهای شهری کشور ما به دنبال داشته است. (Timoth, 1995)

ایجاد خیابان کشی هایی که بافت های تاریخی را جراحی بدون درمان می کرد نه تنها مشکلات را حل نکرد بلکه خود عاملی مهمی در به وجود آمدن مشکلات عدیده در این بافتها گردید. امروزه توجه به بافتهای کهن و رفع ناپایداری آنها به موضوع جدی و محوری تبدیل شده است. به گونه ای که لزوم مداخلات در این بافتها را مطرح می کند. رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تکامل و تحول خوداز بازسازی باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تاکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده است. مداخله در بافتهای کهن ضمن حفاظت از میراث به جای مانده، نیازمند در نظر گرفتن نیازهای ساکنین در بافت و توجه به جنبه های غیر کالبدی (اجتماعی، اقتصادی و...) که به ایجاد اشتغال زایی در بافت کمک می رساند است که از نکات حساس و کلیدی مداخله در بافتهای کهن تاریخی شهری است. استفاده از صنعت گردشگری در راستای تقویت بنیه اقتصادی بافت های کهن شهری در مقیاس محلی، ملی، و حتی جهانی می تواند ضمن تأمین هزینه های حفاظتی بافت، زمینه های تحرک اقتصادی را برای شهر و شهروندان به وجود آورد و به عنوان عامل محرک توسعه در پروژه های بازآفرینی شهری محسوب می گردد. (فلامکی ۱۳۸۶)

۲- روش تحقیق

در پژوهش حاضر روش تحقیق توصیفی با رویکرد کیفی می باشد و داده ها و اطلاعات حاصله از منابع کتابخانه ای و اسناد و نوشته های مربوطه سعی گردیده است جمع آوری شود. همچنین با استفاده از روشهای تاریخی، سیر تکامل بهسازی و بازآفرینی شهری مورد بررسی و توجه قرار می گیرد و تأثیر توریسم در بازآفرینی بافتهای کهن شهری نیز مورد بحث قرار گرفته می شود.

۳- فرضیه های پژوهش

مرمت و بهسازی شهری دوره هایی از تحول و تکامل را پشت سر نهاده و امروزه به مرتبه ای از حضور خود رسیده که «بازآفرینی شهری» و رویکرد متأخر آن یعنی «نوسازی شهری» نام نهاده می شود. بررسی بازآفرینی بافتهای کهن شهری و تأثیر گردشگری شهری بر آن ضمن گشودن چشم اندازی به تحول چند دهه ای برداشت ها و رویکردهایی که در این عرصه وجود داشته است، عملاً بر این نکته صحه می گذارد که «بهسازی و بازآفرینی شهری» ضمن پیشروی به سوی تبدیل شدن به واقعیتی «یکپارچه» و «همه جانبه» و «فراگیر»، پیشینه ای کامل از رویکردهای گوناگون «مرمت و حفاظت شهری» بوده است، که هنوز پس از گذشت چندین دهه آثار به خدمت گرفته شده هریک از رویکردها را به وضوح می توان در طرح های بهسازی و بازآفرینی شهری دریافت کرد. «بازآفرینی شهری متکی بر بن مایه گردشگری شهری» نشان دهنده نوعی سیر تکاملی و در عین حال تسلط، سنجش و درک صحیح از موقعیت و شرایط به کار گیری هریک از این رویکردهاست.

۴- سوالات تحقیق

۱. ویژگی و راهبردهای بازآفرینی شهری چیست؟
۲. چگونه می توان از طریق گردشگری (توریسم) به بازآفرینی بافتهای کهن شهری یاری رساند؟

۵- بازآفرینی شهری

از اواسط قرن ۱۸ میلادی و اوایل قرن نوزدهم میلادی با شکل گیری تئوری های مرمت معماری، امر حفاظت از ثروتهای فرهنگی شکل تازه ای گرفت. در این دوره حفاظت صرف از ساختمان های منفرد با گرایش به «مرمت سبکی رایج» مورد حمایت

قرار گرفت و به عنوان تفکر غالب در اروپا مطرح بود. «جنبش حفاظت مدرن» که بر پایه تفکرات جان راسکین و توسط ویلیام موریس پایه گذاری شده بود نیز، بر نگهداری و مراقبت مستمر از آثار و بناهای تاریخی و حداقل دخالت در این گونه ابنیه تأکید داشت. در نیمه اول قرن بیستم، رخداد جنگ جهانی و بازسازی گسترده ویرانی ها و پیامدهای انقلاب صنعتی گرایش به توسعه را شدت بخشید. اواسط دهه ۱۹۴۰ و سراسر دهه ۱۹۵۰ که عمدتاً موضوع بازسازی پس از جنگ در مناطق بمباران شده شهری مطرح بود، تحت عنوان «عصر بازسازی» قلمداد شده است. دورانی که در آن بحث محوری و غالب تأکید بر «رشد اقتصادی»، «برنامه ریزی رفاه»، «بازسازی کالبدی» و «نوسازی شهری» بوده است. (حبیبی، ۱۳۸۶)

در دهه ۱۹۶۰ مشارکت مردم و بخش خصوصی در سرمایه گذاری ها دامنه فراخ تری یافت و از نقش دولت مرکزی کاسته شد. همچنین ضمن توجه به نوسازی و ارتقاء وضعیت کالبدی محله ها، احیاء اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت. در واقع موج اول اصالت بخشی به محله های شهری در این مرحله اتفاق می افتد. در دهه ۱۹۷۰ توجه دست اندر کاران به نوسازی جلب شد. در واقع روند رو به افزایش مسائل شهری و افت کیفیت در مناطق مرکزی و قدیمی شهرها، سیاست گزاران شهری را بر آن داشت تا برنامه های نوسازی و طرح های توانمند سازی را جهت پاسخ به مسائل فوری به کار گیرند. در دهه ۸۰ قدرت سیاسی دولت کاهش و مشارکت بخش خصوصی افزایش یافت. فعالیت این دهه تحت عنوان «توسعه مجدد» مطرح شدند. توسعه مجدد آمیخته ای از نگاه بازسازی، بهسازی و بازآفرینی در مرمت شهری است. (Chan and Yung, 2004)

از دهه ۱۹۹۰ به بعد مرمت و بهسازی شهری با نگرش بازآفرینی به عنوان رویکردی جدید مطرح گردید و مفهومی جامع به خود گرفت. به گونه ای که به معنای بهبود وضعیت بافتهای تاریخی و قدیمی و نواحی محروم در جنبه های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی است. این نوع نگاه به مرمت و بهسازی واکنشی است در مقابل چالش های نوظهوری چون جهانی شدن، تغییرات ساختاری و عدم تعادل های فضایی ناشی از رشد گسترده شهرها که امکان ایجاد رویکردی جامع، یکپارچه و عمل گرا برای پاسخ به مسائل شهری را فراهم آورده است. بازآفرینی شهری به کارکرد و اثرات متقابل منابع و محرک های بسیاری که موجب وقوع تغییرات شهری می شوند، می پردازد و پاسخی است به فرصت ها و چالش هایی که در یک مکان رو به انحطاط، در یک زمان مشخص پیش می آید. در حقیقت فضاهای شهری نظام هایی پیچیده و پویا هستند.

جدول شماره ۱- سیر تکامل بازآفرینی شهری، منبع: رابرتز به نقل از ایزدی و صحنی زاده

نوع سیاست هر دوره	دهه ۱۹۵۰ بازسازی	دهه ۱۹۶۰ باززنده سازی	دهه ۱۹۷۰ نوسازی	دهه ۱۹۸۰ توسعه مجدد	دهه ۱۹۹۰ بازآفرینی
راهبرد اصلی و جهت گیری	بازسازی و گسترش مناطق قدیمی تر شهرها و شهرک ها اغلب براساس یک طرح جامع، رشد حومه نشینی	تداوم راهبردهای دهه ۱۹۵۰، رشد حومه ای و حاشیه ای؛ برخی تلاش های اولیه در توانمند سازی	تمرکز بر روی نوسازی در جای اولیه خود و طرح های واحد همسایگی؛ کماکان توسعه در حاشیه شهر	طرح های متعدد بزرگ برای توسعه و توسعه مجدد پروژه های کلان مقیاس پرهزینه پروژه های خارج از شهر	حرکت به سوی شکل جامع تری از سیاست گذاری و اعمال تمرکز بر روی راه حل های یکپارچه
دست اندرکاران با نفوذ و گروه های ذینفع	دولت ملی و محل، پیمان کاران و توسعه دهندگان خصوصی زمین و املاک	حرکت به سوی توازن بیشتر میان بخش های عمومی و خصوصی	نقش رو به افزایش بخش خصوصی و تمرکززدایی با واگذاری قدرت بیشتر به دولت محلی	تأکید بر نقش بخش خصوصی و کارگزاران خاص افزایش شراکت	شراکت به عنوان رویکرد غالب
کانون اقتصادی	سرمایه گذاری بخش عمومی با مداخله نسبی بخش خصوصی	ادامه روند دهه ۱۹۵۰ یا افزایش اثر سرمایه گذاری بخش خصوصی	محدودیت منابع بخش عمومی و رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی	تسلط بخش خصوصی با تأمین گزینشی بودجه از سوی بخش عمومی	توازن بیشتر میان بودجه تأمین شده از سوی بخش عمومی، خصوصی و داوطلبانه
محتوای اجتماعی	بهبود معیارهای زندگی و ساخت مسکن	بهبود اجتماعی و رفاه	اقدام اجتماع مدار و اختیار بیشتر	گروه های اجتماعی خودیار با حمایت بسیار گزینشی دولت	تأکید بر نقش گروه های اجتماعی
تأکید فیزیکی	جایگزینی نواحی درونی و توسعه حاشیه ای	تداوم برخی رویکردهای دهه ۱۹۵۰ موازی با توانمندسازی نواحی	نوسازی های گسترده بیشتر در مناطق شهری قدیمی تر	طرح های بزرگ جایگزینی و توسعه جدید، طرح های کلان مقیاس پرهزینه	میان رو تر از دهه ۱۹۸۰، توجه به میراث و نگاهداشت ابنیه
رویکرد محیطی	منظر سازی و تا حدودی گسترش فضای سبز	بهسازی های گزینشی	بهسازی محیطی همراه با برخی ابتکارات	افزایش توجه به رویکردی گسترده تر نسبت به محیط	معرفی ایده گسترده تری از پایداری محیط

با توجه به مطالب ارائه شده در جدول شماره ۱ و بازآفرینی شهری را می توان چنین ترسیم کرد:

* به مثابه ابزاری جهت خط مشی ها و اقدامات تعیین کننده ای که جهت بهبود وضعیت نواحی شهری و توسعه ساختارهای نهادی طراحی می شوند.

* ساختارهای نهادی که برای حمایت از آماده سازی و تدارک پیشنهادات خاص ضرورت دارند.

* عنصر مهم دیگر در نظریه بازآفرینی شهری با عملکرد سیستم شهری به مثابه یک کلیت و با عملکرد فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی که محتوای بازآفرینی شهری را تعیین می کنند مرتبط است.

تحولات فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی تغییراتی هستند که بر این نظام ها وارد می شوند. هیچ شهری از مواجهه نیروهای خارجی که تغییرات را بر آن دیکته می کنند و نه از فشارهای داخلی که سرعت رشد یا افت شهر را شتاب می بخشد در امان نیست. از این رو بازآفرینی شهری به عنوان پاسخی به این تغییرات کاربرد می یابد. از نظر لغوی این واژه به معنای تجدید نسل و از نو سر برآوردن است که از نفس خود، نو شدن و به روز آمدن را دارد. گو اینکه این اقدام می تواند شامل شباهت های ظاهری سازمان فضایی معاصر با سازمان فضای کهن باشد. رابرتز و سایکز نیز بازآفرینی را این گونه شرح داده اند: «بازآفرینی دیدگاه و اقدامی جامع و یکپارچه است که به تشخیص و تحلیل مسائل شهری می پردازد و در پی یافتن راه حلی در بهبود پایای شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی محدوده ای که مورد تهدید و تغییر قرار گرفته است می باشد.» (Roberts and Sykes, 2000:17).

۵-۱-۱- عناصر کلیدی و محرک توسعه شهری در فرآیند بازآفرینی شهری

۵-۱-۱-۱- مداخله های راهبردی (پروژه های بزرگ مقیاس)

یکی از مهمترین راههای بازآفرینی شهری ایجاد بناهای باشکوه معتبر برای ارتقاء محیط شهری می باشد. در حالی که این نوع ساخت و ساز به منظور رونق بخشی به شهر یا به عبارتی ایجاد « بناهای مهم و نشانه های شهری » مستلزم طراحی به معنای طراحی معمارانه است. اما پروژه مورد نظر محرکی برای تغییر محیط شهری پیرامون خود محسوب می گردد.

۵-۱-۱-۲- مشارکت اجتماعی

استفاده از مزایای مشارکت گروه های اجتماعی یکی دیگر از عناصر کلیدی بازآفرینی شهری محسوب می گردد. بدیهی است راهبردهای درگیر سازی اجتماع در طراحی شهری صرفاً این موضوع نیست که اهل حرفه با مردم عادی مشورت کند، بلکه گاهی ممکن است نقطه آغازی را برای خود ابتکار عمل تشکیل دهند و کاملاً مردم را در فرآیند بازسازی دخیل سازد. درگیرسازی اجتماع، همچنین نسبت به سیر تحولی و تکوین پروژه، در چارچوب اطلاعات و آموزش و نیز مشاوره، حساس است.

۵-۱-۱-۳- کاربری مختلط و سرمایه گذاری مختلط

گنجاندن منابع مالی مختلط و آمیزه ای از کاربری ها در طرح عامل کلیدی دیگری در موفقیت طرح های بازآفرینی محسوب می شود. جین جیکویز (۱۹۸۴) برای نخستین بار به اهمیت این دو عنصر اشاره کرد و الکوک و همکارانش در کتاب محیط های پاسخده (۱۹۸۵) بار دیگر این بحث را ادامه دادند. منظور آنها از این بحث این است که آمیزه کاربری ها، نظارت و مراقبت شبانه روزی فضاها و تراکم عابران را تضمین می کند. و به این وسیله حس امنیت را افزایش می دهد. و از این طریق سرزندگی محله یا منطقه چه از لحاظ بصری و چه کارکردی، ارتقاء پیدا می کند.

۵-۱-۱-۴- حفظ تداوم با گذشته

در حالی که در بازآفرینی شهری منظور از حفاظت از گذشته، مانند طرح های حفاظتی نیست، بنا بر نظر کلخون (۱۹۹۴) حفظ تداوم با گذشته بخش مهمی از طرح موفقیت آمیز بازسازی به شمار می آید. منظور از برقراری برخی پیوندها با گذشته عبارتند از افزایش دامنه حس هویت هر یک از نقاط هدایتگر و ارتقای چیزی که آلدو روسی نظریه پرداز ایتالیایی، به آن «حافظه جمعی» نام داده است.

۵-۱-۱-۵- ایجاد یکپارچگی در اصلاح شبکه دسترسی های شهری

ایجاد یکپارچگی از طریق افزایش نفوذپذیری، یکی دیگر از عناصر کلیدی بازآفرینی شهری می باشد. اتصال های کالبدی نه تنها دسترسی فیزیکی را به وسیله عابران پیاده یا خودروهایی همگانی و یا اتومبیل های شخصی فراهم می آورند، بلکه تقریباً به معنای واقعی کلمه، افق منظر شهری را نیز وسعت می بخشد.

۵-۱-۱-۶- خلق فضایی برای بروز خلاقیت

شاخصه بسیاری از طرح های بازآفرینی موفق، بروز توان بالقوه خلاق، در شکل هنر مردمی، ساخت بناهای فرهنگی، وفور و فراوانی باشگاه های شبانه و کافه های خیابانی و شکوفا شدن هنرها و صنایع فرهنگی بوده است. برخی افراد استدلال می کنند ساخت و سازهای گران قیمت و تشریفاتی بر علیه این جریان عمل می کنند. در حالی که هنرمندان و جوانان به طور معمول در فضاها و مکان های ارزان قیمت با یکدیگر ملاقات می کنند، کار می کنند و خوش می گذرانند. هر چند به طور ختم راهبرد طراحی

شهر تضمین نمی کند که اینگونه «نوزایی» الزاماً در فضا اتفاق بیفتد ولی با همه اینها، شواهدی در دست است که بر پایه آنها طراحی شهری سامان یافته می تواند در بروز فعالیت های خلاق یک ناحیه سهیم باشد. به طور خلاصه اهداف کلی یک پروژه بازآفرینی شهری را می توان به این صورت بیان کرد: (Roberts, 1998)

خلق فضایی برای بروز خلاقیت دارای اهداف زیر می باشد:

الف-هدف اقتصادی: تامین خواسته های اقتصادی از اهداف کلیدی بازآفرینی شهری می باشد. تجدید حیات اقتصادی بر افزایش اشتغال، کاهش فقر و اختلاف طبقاتی، بهبود عرضه و تقاضای بازار، جذب سرمایه های داخلی، بهبود آموزش مهارت های حرفه ای نیروی کار تاکید می ورزد.

ب-هدف اجتماعی: بهبود شرایط اجتماعی با توجه به ارزشهای همه گروه های اجتماعی از اهداف بازآفرینی شهری محسوب می شود. ضمن اینکه مشارکت از اصول برنامه های بازآفرینی است. ماهیت پیچیده و چند بعدی افت شهری اتخاذ راهبردی چندگانه را ضروری می نماید، که به تنهایی توسط یک ارگان دولتی یا خصوصی قابل برنامه ریزی نیست. تقسیم وظایف و تمرکززدایی از سازمان ها باعث تقسیم وظایف در میان افراد و سازمان های مختلف می شود در عین حال برنامه های بازآفرینی شهری به بودجه زیادی نیاز دارد که مشارکت گروه های مختلف را برای تامین منابع مالی پروژه ها می طلبد. شرکت دادن گروه های مختلف اجتماعی در فرآیند بازآفرینی باعث به وجود آمدن حس همکاری و مسئولیت پذیری ساکنین در برابر شرایط محیط زندگی می شود. انتقاد از تسلط و نظارت مستقیم و بیش از حد دولت در امر توسعه باعث پررنگ شدن نقش اجتماعی مردم می شود.

پ-هدف فرهنگی: توجه به حفظ ارزشهای فرهنگی و حفاظت از ثروت های بومی در جهت اعتلای نقش فرهنگی بازآفرینی شهری در محیط اجتماعی، از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد. بازآفرینی شهری سعی در حفظ و ارزشهای فرهنگی در فضاهای شهری دارد. ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و گذراندن اوقات فراغت و ارتقاء میراث تاریخی و استفاده از صنعت گردشگری به همراه جذب موسسات دانشگاهی و تحقیقاتی در بسیاری موارد به عنوان موتور محرک بازآفرینی شهری در بافتهای کهن محسوب می گردد.

ج-هدف کاربردی: انتقاد از ساخت و سازهای تک کاربری چند منظوره از دیگر اهداف مهم بازآفرینی شهری است. فعالیت های چند منظوره به سرزندگی و پویایی محیط شهری منجر می شود و باعث شکل گیری فضاهای امن خواهد شد.

د-هدف کالبدی: بازآفرینی شهری در پاسخ به مشکلاتی نظیر فرسودگی فضاها، بالا بردن سطح کمی و کیفی تاسیسات، تجهیزات و زیر ساخت های شهری، بهبود شرایط حمل و نقل، به دنبال بازیافت فضاهای باارزش و استفاده مجدد از آنها و حفاظت بافت های تاریخی و ثروت های بومی منطقه می باشد. و از این ره به موازات اقدامات کمی به اقدامات کیفی نیز توجه ویژه ای دارد.

ه-هدف محیطی: هدف محیطی بازآفرینی پایداری است. پایداری به حفظ منابع محیطی در فرآیند بازآفرینی شهری اشاره دارد. ارائه یک راه حل پایدار، توسعه مدیریت متعادل اقتصادی، اجتماعی و محیطی، حمایت از نسل های آینده، توزیع متعادل هزینه و منافع و ارتقاء فعالیت های اقتصادی به منظور افزایش کیفیت محیطی از اهداف پایداری در فرآیند بازآفرینی شهری هستند. (Roberts and Sykes, 2000)

۶- گردشگری (توریسم) شهری

شهرها برای همه سنین جذاب هستند. مردم علاقه دارند برخی از تعطیلات خود را در شهر به سر برند. ویژگی های شهرها باعث شده است «گردشگری شهری» متفاوت تر از سایر گروههای گردشگری باشد (Low, 1996:168). توریسم شهری ترکیب پیچیده ای از فعالیت های مختلف است که از بهم پیوستن در محیط ویژه و قادر ساختن شهر در جذب بازدیدکنندگان است. سازمان جهانی گردشگری توریست شهری را چنین معرفی می کند: «توریست (گردشگر) شهری» فردی است که به قصد مسافرت به شهری غیر از شهر یا مکان سکونت و محیط عادی خود با انگیزه گردش و تفریح، تجارت، دیدن دوستان، اقوام یا فعالیت های دیگر برای بهره برداری و استفاده از فضای شهری و امکانات و تسهیلات و جاذبه های شهری مسافرت می کند. (ماتیسون و وال، ۱۹۸۲).

۷- اهمیت مراکز تاریخی شهرها در برنامه های بازآفرینی شهرها

امروزه فضاهای شهری نقش چندگانه ای در عرصه تحولات شهری و زندگی روزمره شهروندان ایفا می کنند. در این میان، گذران اوقات فراغت و تفریح از جمله نیازهای دیرروز و امروز بشر است که چگونگی انجام یافتن آن در جوامع مترقی فرآیندی

فرهنگی و آموزشی محسوب می شود و نقش بسزایی در بروز کمالات انسانی دارد. فضاهای شهری به عنوان مهمترین عرصه تبلور و تحقق این امر همواره مورد توجه برنامه ریزان و مدیران حوزه گردشگری قرار گرفته است. نواحی شهری به علت دارا بودن جاذبه های گردشگری متنوع در اکثریت موارد، مقاصد گردشگری مهمی محسوب می شوند. موزه ها، بناهای یادبود، سالن های تئاتر، استادیوم های ورزشی، پارکها، شهرسازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان هایی مربوط به رویداد های مهم و ... را می توان از جمله این جاذبه ها برشمرد. (Timoth, 1995: 63) چنانچه هر یک از جاذبه های نام برده در قالب یک فضای شهری مورد بررسی قرار گیرند، می توان آنها را در دو دسته کلی جای داد. دسته نخست فضاها و کاربری های مدرن، چون استادیوم ها و شهرسازی و مراکز خرید امروزی است اما دسته دوم شامل هسته و بافت تاریخی و طبیعی شهرها و بناهای با ارزش و یادمانی و آثاری از این دست است که به طور کلی جاذبه های تاریخی- فرهنگی یک شهر را در خود جای می دهد. لذا در ادامه با بررسی اجمالی دسته دوم جاذبه ها، بر نقش و دلایل اهمیت مراکز تاریخی شهر به عنوان مهمترین مزیت گردشگری در ایران و جهان تأکید می شود.

۷-۱- مراکز تاریخی شهرها

با توجه به نحوه شکل گیری شهرها، بخش مرکزی شهرها دارای نقش حیاتی بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است و هنوز خیابان های بزرگ، بزرگراه ها، شاهراه ها و مراکز چون فرودگاه و راه آهن نتوانسته ساختار گردشگری شهری را در آنها تغییر دهد. (موحد، ۱۳۸۷) مراکز تاریخی شهرهای مهم ایران و جهان مهمترین جاذبه های گردشگری این شهرها هستند و وجوه متمایز و خصوصیات منحصر به فرد مکانی، تاریخی و فرهنگی هر شهر را در واقع باید در همان بافت تاریخی و آثار کالبدی و معنایی به جای مانده در آن جستجو نمود. با این حال موارد ذیل که حاصل عوامل تاریخی، فرهنگی و طبیعی تاثیر گذار در شهر است در جهت اثبات این ادعا مطرح می شوند:

۷-۲- مراکز تاریخی شهر، محل تبلور فرهنگ های بومی

شکل گیری مراکز تاریخی هر شهر و ساختار کلی آن در واقع حاصل زندگی شهروندان و محصول تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان در بستر شهر است، لذا بیشترین نمود آن در این مکان ظهور می یابد. بر این اساس بافت تاریخی شهر مناسب ترین مکان برای درک وجوه مختلف فرهنگ بومی و محلی و چگونگی تأثیر آن بر جنبه های مختلف زندگی شهری است و طبیعتاً این امر از شهری به شهر دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت خواهد بود. این در حالی است که این گونه تفاوت ها در بافت نوساز شهری جایی برای عرضه نداشته و گردشگران در مدت کوتاه حضور خود در شهر فرصت ادراک آن را به عنوان یک جاذبه گردشگری نخواهند داشت.

۷-۳- شکل گیری ساختار شهر بر بستر طبیعی منحصر به فرد

شکل زمین، عوارض و پدیده های طبیعی و خصوصیات بستر از جمله تاثیرگذارترین مسائل بر ساختار کلی و استخوان بندی شهرها هستند که در بستر تاریخ و در تعامل با دیگر عوامل، کالبد شهر را تشکیل داده اند. لذا جلوه های ظهور معماری سنتی در هر شهری بنا بر مقتضیات بستر طبیعی منحصر به فرد آن شهر بوده و بر این اساس مرکز تاریخی هر شهر منظر خاص خود را خواهد داشت.

۷-۴- ویژگی های متفاوت

مسئلاً ویژگی های اقلیمی، نقش بسزایی در شکل گیری کالبد معماری و ساختار شهری هر منطقه دارد. در دهه های اخیر با رونق گرفتن معماری مدرن و ادعای بین المللی بودن آن و در سایه بهره گیری از انرژی های فسیلی ارزان قیمت، شاهد چشم پوشی از اصول اقلیمی معماری بوده ایم که در این امر گامی دیگر در جهت یکسان سازی شکل شهرها تلقی می شود. لذا در حال حاضر تنها بافت های تاریخی و اصول حاکم بر معماری و شهرسازی مراکز تاریخی شهرها واجد ویژگی های اقلیمی منطقه بوده که به تبع می تواند مورد توجه گردشگران قرار گیرند.

۷-۵- رد پای سیر حوادث تاریخی و خاطرات مشترک در کالبد شهر

فضاهای عمومی، نقاط عطف و نشانه های شهری محل ثبت خاطرات جمعی شهروندان در طول حیات اجتماعی شهر است. این مکان های ویژه که گاه دارای ارزش طبیعی، فرهنگی و هنری بوده و گاه یادآور حوادث مهم تاریخی است، نقش ویژه ای در ایجاد و حفظ هویت شهری و شهروندی ایفا کرده و تسلسل تاریخی در بستر حیات شهر موجب انتقال ارزش ها از نسلی به نسل بعد می شود.

۷-۶- بقای ویژگی های بومی و محلی معماری در بافت تاریخی

بناهای ساخته شده بر اساس اصول معماری سنتی دارای ویژگی های خاصی هستند که برخی از آنها از محلی به محل دیگر و از شهری به شهر دیگر متفاوت است. اصل بوم آورد بودن مصالح سنتی باعث ایجاد بناهایی می شود که گاه بر اساس برخی

ویژگیها، چون نوع مصالح، سبک و دوره ساخت و تزئینات معماری، جلوه های متمایزی از معماری خاص آن منطقه را در شهرهای مختلف به نمایش می گذارد. این امر علاوه بر ایجاد هویت مستقل برای شهرها، مراکز تاریخی آنها را به مکانی مناسب برای جذب گردشگران داخلی و خارجی تبدیل می کند.

۸- گردشگری به عنوان ابزار بازآفرینی شهری

همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد توسعه اقتصادی، افزایش اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی و تامین تسهیلات عمومی و امکانات اجتماعی از اهداف کلیدی هر برنامه بازآفرینی شهری محسوب می شود. در این میان گردشگری شهری به عنوان موضوعی موثر در ابعاد مختلف توسعه شهری بوده که امروزه در قالب راهبرد بسیاری از شهرها برای بازآفرینی آنها به کار گرفته شده است. جاذبه های گردشگری در اغلب موارد عاملی برای جذب سرمایه و حضور مردم در شهرها محسوب می شود. ورود سرمایه به مراکز شهرها از طریق سرمایه گذاران بخش گردشگری و خود گردشگران نه تنها اهداف اقتصادی توسعه شهرها را برآورده می سازد، بلکه به عنوان موتور محرکی برای توسعه نقاط پیرامونی شهر می باشد. (پورجعفر، ۱۳۸۸) از سوی دیگر اهداف اجتماعی بازآفرینی نظیر بهبود محیط اجتماعی و مشارکت گروه های مختلف اجتماعی نیز به دلیل سود سرشار گردشگری امکان پذیر می گردد. گردشگری فعالیتی است با ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سیاسی به نحوی که غالب شئون زندگی انسان را شامل می شود. از این رو در برنامه ریزی برای این فعالیت باید جامع نگری وجود داشته باشد. نمی توان یک بعد آن را بر دیگری ترجیح داد یا کم اهمیت شمرد. از سویی دیگر برای هدایت توسعه گردشگری مشارکت همه جانبه بخش ها، اعم از دولتی، عمومی و خصوصی ضروریست. در این میان مشارکت و حمایت مردم نقش بسزایی دارد.

از نقطه نظر ماهیت اقتصادی گردشگری می توان اینگونه تلقی نمود که به مجردی که گردشگران اقدام به مسافرت نمایند، مجموعه ای از فعل و انفعالات اقتصادی شروع می گردد. این فعالیت عوامل گوناگون تولید را به خدمت گرفته و با طیف وسیعی از فعالیت ها در ارتباط است. در این صنعت جاذبه ها، تسهیلات و خدمات رفاهی به عنوان کالا به گردشگر عرضه شده و نیاز و تمایل آنها به دیدار از منطقه و جاذبه های آن به عنوان تقاضا به شمار می رود. گردشگری یک صنعت خدماتی است، زیرا گردشگران برای تامین نیازهایشان انتظار خدمت دارند. مهمترین انتظارات آنان ارائه خدماتی در ارتباط با برنامه ریزی برای زمان و مقصد سفر، یافتن و رزرو نمودن محل اقامت در مقصد، تامین وسایل رفت و آمد و... می باشد. بدیهی است از نقطه نظر اقتصادی، برای توسعه گردشگری در یک منطقه ایجاد تاسیسات، زیرساخت ها و امکانات مورد نیاز این صنعت امری ضروری است. فراهم نمودن این بستر مستلزم سرمایه گذاری و صرف هزینه های گوناگون توسط مردم و دولت است. هزینه های عمده برای توسعه گردشگری در یک منطقه را می توان به چند گروه تقسیم بندی نمود (معصومی، ۱۳۸۵)

۸-۱- سرمایه گذاری کلان بر روی دارایی های ثابت

عمدتاً شامل ایجاد و نگهداری تاسیسات زیر بنایی و تاسیسات اقامتی و موسسات فرهنگی و ... می شود.

۸-۲- هزینه های اجتماعی - فرهنگی

این بخش شامل هزینه های جبران اختلالات روانی ناشی از تفاوت بین زندگی عادی ساکنین منطقه و زندگی مورد توجه گردشگران، هزینه های مربوط به دگرگونی در ارزش های سنتی، مذهبی، فرهنگی و... را شامل می شود.

۸-۳- هزینه های محیطی

این دسته هزینه هایی از قبیل هزینه جبران افزایش آلودگی محیط، دگرگونی چشم انداز های طبیعی، تغییرات در تبادل زیست محیطی و هزینه ایجاد نواحی حفاظت شده را شامل می شود. اما علی رغم این سرمایه گذاری ها، صنعت گردشگری در مقایسه با سرمایه گذاری مربوط به آن، متکی به تعداد نسبتاً زیادی کارگر است. بنابراین فرصت های شغلی زیادی برای کارکنان غیر متخصص، جوانان و زنان ایجاد می کند. گردشگری منجر به افزایش حرکت در تولید و توزیع، ایجاد مشاغل و خدمات گوناگون و کمک به سرعت گردش پول می شود. (حبیبی، ۱۳۸۶) این صنعت منابعی را به کار می گیرد که معمولاً از نظر اقتصادی فاقد ارزش بالفعل هستند و از طریق توسعه گردشگری به عنوان کالا مطرح می شوند. از سویی دیگر برای احداث تسهیلات گردشگری به تکنولوژی پیشرفته نیازی نیست. بنابراین توسعه این صنعت به خصوص در مناطق و نواحی که دارای کارگر غیر ماهر مازاد نیاز می باشند قابل توجه است. از این رو گردشگری در مناطقی که به هر دلیلی از رشد صنعتی یا سایر راه های توسعه اقتصادی محروم مانده اند، در برخی موارد به عنوان یک فعالیت اقتصادی زیر بنایی و تنها راه توسعه مطرح می شود، به خصوص اگر زمینه های این صنعت در منطقه مورد نظر از قبل موجود باشد. در حقیقت توسعه گردشگری در یک منطقه گردش پذیر به توسعه محدوده اطراف آن منطقه نیز کمک می کند. بنابراین از هر نظر بهترین راه توسعه و بازآفرینی حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یک منطقه به

شمار می رود و به عنوان موتور محرکه توسعه به شمار می رود که علاوه بر توسعه در منطقه مزبور موجب پیشرفت مناطق پیرامونی نیز می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه ملاحظه گردید بازآفرینی شهری در نفس خود، نو شدن و روزآمد شدن را دارد. این اقدام تبیین گذشته در حال و توجه به نیازهای حال و آینده و تعریف کالبد و فضا در بر می گیرد در حقیقت فرآیندی برای تبدیل میراث به ثروت می باشد. از این رو بازآفرینی شهری کاری آئینی و بطنی است که نمی توان آن را به یکباره اعمال کرد و اقدامی است یکپارچه و جامع برای حل مشکلات بافت که علی الخصوص در پی بهبودی شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محدوده مورد نظر می باشد. بازآفرینی شهری از سویی نقطه اتکاء خود را بر گذشته ها بنا می نهد، تارنگ و رویی جدید به آنها بخشد و از سویی دیگر تمایل به رهایی از نگاه صرف به گذشته دارد تا بتواند با جداشدن از گذشته ها معنا و ماهیت جدیدی را به بافت اهداء کند. بدین لحاظ هر چند توجه به میراث و حفاظت از اینیه تاریخی از نکات زیربنایی این نگرش می باشد ولیکن نگاه صرف موزه ای به آن و عدم تبدیل میراث به ثروت را مد نظر قرار نمی دهد. بلکه زمانها و دوره های مختلف تاریخی (گذشته، آینده، حال) را تحت پوشش خود در می آورد. بدین معنا که به حفظ ارزش های تاریخی به جای مانده از گذشته، تامین خواست های اجتماعی زمان حال و پیشگویی و تخمین اتفاقات آینده یاری می رساند و این در حالی است که درس گرفتن از گذشته، نقطه اتکاء این فرآیند می باشد.

در این نگرش اعتقاد بر این است که استفاده از بناهای تاریخی به صورت اقتصادی و توجه به حفاظت به عنوان ایجاد کننده اشتغال در دراز مدت و به صورت پایدار به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی محدوده مورد مداخله مدنظر قرار گیرد. در حقیقت هدف نهایی در بازآفرینی شهری ترمیم و ارتقای کیفیت زندگی شهری از طریق بهبود و توسعه ویژگی های منحصر به فرد یک مکان است. با توجه به این موضوع که در بازآفرینی به بسیاری از جنبه های غیر کالبدی در شهر نیز توجه می شود و تجدید نسل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کارکردی شهر نیز مد نظر قرار دارد، بنابراین توجه صرف به جنبه های کالبدی مانع از تحقق اهداف معاصر سازی می گردد. از این رو لازم است، منطقه مورد مطالعه در ابتدا مورد مطالعه قرار گیرد تا مشخص شود فرسودگی بافت از چه نوعی می باشد. در صورت وجود فرسودگی کاربردی علی رغم وجود فرسودگی های کالبدی و فیزیکی نیاز به اندیشیدن به جنبه های اقتصادی بافت نیز مورد توجه قرار می گیرد.

تدوین چشم انداز و تخصیص نقش گردشگری به بافت هایی که از سویی دچار فرسودگی شدید کالبد و کاربری هستند و از سویی دیگر دارای میراث منحصر به فرد و بافت ارزشمند تاریخی می باشند اقدام مدبرانه ای است که نیازمند مداخله و مرمت شهری اندیشیده و حساب شده ای می باشد. هر چند توجه صرف به جنبه های اقتصادی گردشگری می تواند لطمات جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد، اما با در نظر گرفتن ابعاد همه جانبه این صنعت می توان به عنوان محرک توسعه از آن بهره جست. بخش گردشگری در حال حاضر یکی از زیر بخش های خدمات در اقتصاد کشور محسوب می شود. گردشگری باید به شیوه ای منسجم کنترل شده و بر مبنای برنامه ریزی موثر توسعه یافته و اداره گردد.

بدین صورت توریسم می تواند منافع قابل ملاحظه ای را بدون ایجاد مشکلات اجتماعی و زیست محیطی برای منطقه مورد نظر تامین کند. تجربه بسیاری از نواحی گردشگری در جهان این امر را به اثبات رسانده است که در بلند مدت روش برنامه ریزی شده برای توسعه گردشگری می تواند بدون ایجاد مشکلات عمده منافی را در بر داشته و و به حفظ رضایت ساکنین و بازار نیز منجر شود. بنابراین شناخت مسائل و نیازهای بافت های کهن شهری و اعطای نقش عمده گردشگری به آنها راه حلی مناسب برای توسعه کمی و کیفی آنها محسوب می شود و ضمن تامین حفاظت از عناصر ارزشمند تاریخی موجود در آنها به درآمدزایی و توسعه اقتصادی نیز کمک می رساند.

منابع

- براند فرای، ه. (۱۳۸۱)، «طراحی شهری چیست و چرا امروزه چنین اهمیت یافته است»، ترجمه: مهدوی، ش، هفت شهر، فصلنامه ی عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره ی ۷۰.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۵)، «میانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، انتشارات شهیدی، تهران، چاپ اول.
- آیت، نرگس سادات، (۱۳۸۷)، «بازآفرینی شهری در بافت کهن شهر سمنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- پورجعفر، محمد رضا، (۱۳۸۸)، «میانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، تهران: انتشارات پیام، چاپ اول.
- حاجی پور، خلیل، (۱۳۸۶) «مقدمه ای برر سی تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری (دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم)»، اندیشه ایران شهر، فصلنامه ای در زمینه شهرشناسی، سال دوم، شماره نهم و دهم.
- حبیبی، سید محسن، مقصودی، ملیحه «مرمت شهری»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ویرایش جدید.
- فلامکی، محمد منصور، (۱۳۸۶)، «باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- Timothy, 1995. Encyclopedia of the city. Newyork: Routledge.
- Low.m, 1996. Selling Places: The past as Cultural Capital Past and Present, Oxford: Pergamon Press
- Roberts , 1998. Reviving the Renaissance: The Use and Abuse of the Past in Nineteenth-Century Italian Art and Decoration, Cambridge University Press
- Roberts and Sykes, 2000, Urban renewal in Hong Kong: Transition from Development Corporation to renewal authority. Land Use Policy, 18(3), 245–258.
- Chan E.H. & Yung E. H. K. (2004), Is the development control legal framework conducive to a sustainable dense urban development in Hong Kong? Habitat International, 28, 409–426.